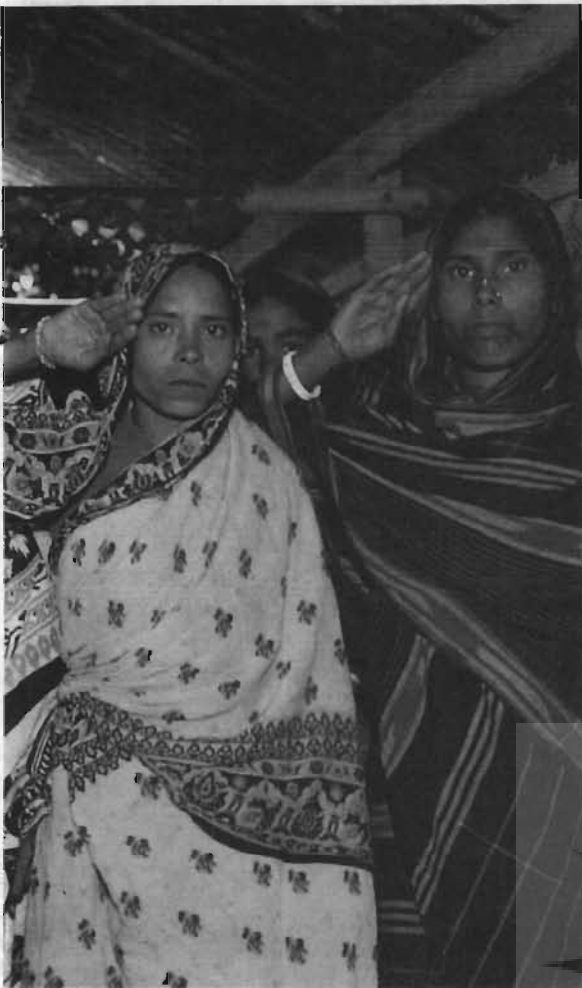


سلام با دست راست و سر و نگاه بالا که زنان در نشستهای هفتگی مرکزهای وابسته به بانک گرامین انجام می‌دهند. این سلام نمادی است از سرباز زدن از هرگونه قدرت مردان و تابعیت از آن. عکس مربوط به روستایی در نزدیکی شهر داکا، پایتخت بنگلادش، است.



تنگدستی یاری برساند. در واقع برنامه وام‌دهی خرد برای دهقانان سنتی اگر به درستی اجرا نگردد، ممکن است به ضرر آنان تمام شود و زمینهای دهقانانی را که از بازپرداخت وامهای خود عاجزند، از چنگشان به در آورد.

طی بیست و پنج سال اخیر، بیشتر برنامه‌های وام‌دهی خرد که به کامیابی رسیده به گروههایی اختصاص داده شده که به یاری وام توانسته‌اند به امکانات اقتصادی بهتری دست یابند. در واقع بیشتر مشتریان آنها واحدهای کوچک غیرکشاورزی بوده‌اند که دست‌کم از یک سال پیش از زمان گرفتن وام کار می‌کرده‌اند و توانایی بازپرداخت بدهیهای خود را اثبات کرده بوده‌اند.

نتایج رضایت‌بخش

این برنامه‌ها توانسته‌اند پول لازم را برای پیشرفت این واحدها در اختیارشان بگذارند. چون مهلت بازپرداخت وامها را بسیار کوتاه تعیین کرده‌اند، توانسته‌اند مبالغ هر چه بیشتری را به کسانی وام دهند که با قرض بیشین خود کار پردرآمدی انجام داده‌اند. و اگر هم دست بر قضا نتایج به دست آمده، از حد انتظار کمتر بوده‌اند — چیزی که بسیار رایج است — وام‌گیرنده توانایی بازپرداخت وام خود را داشته است، زیرا این وام براساس سطح فعالیت او به هنگام اعطای آن محاسبه شده است.

وام‌دهندگان، با توجه به ماهیت تغییرپذیر یا تعویض‌پذیر پول، خیلی زود دریافته‌اند که نظارت خیلی نزدیک بر نحوه کاربرد وامها حاصلی ندارد و بهتر است با مشتریان خود رابطه اعتماد متقابل برقرار سازند. آنان پی برده‌اند که این نوع روابط که با وامهای پیاپی تقویت می‌شوند، احتمال زیانهای مالی را بسیار کاهش می‌دهند. به همین سبب وامهای جمعی یا گروهی را ابداع کرده‌اند که به کمک آنها مطمئن می‌شوند وامگیران آتی تعهدات مالی خود را انجام می‌دهند. درواقع همین وامها عاملی دیگر برای تشویق وام‌گیران به بازپرداخت وامهای خود بوده است.

این روشها بی‌نتیجه نبوده‌اند: میزان بازپرداخت به ۹۸ درصد و حتی بیش از آن رسیده است. به علاوه از آنجا که وام‌گیران پول وام را کلید رفاه خود می‌دانند، نرخ بهره‌های نسبتاً بالا را نیز می‌پذیرند تا هزینه‌های جاری مؤسسات اعتباری را تأمین کنند. وقتی این مؤسسات چنین میزان بازپرداخت و نرخ بهره بالایی دارند می‌توانند حجم وامهای خود را بسیار افزایش دهند و بازارهای گسترده‌تری به دست آورند. به علاوه، تاریخ رشد اقتصادی به روشنی نشان داده است که کارکرد مناسب نظام اعتباری به رونق محلی بسیار یاری می‌رساند و با تقویت اعتماد در نهادهای مالی، و در نتیجه با افزایش پس‌انداز، منابع سرمایه‌گذاری جدیدی به وجود می‌آورد.

بنگلادش:

بنیانگذار بانک گرامین در مقاله حاضر توضیح می‌دهد که این بانک پیشگام، چگونه رهایی اجتماعی و سیاسی زنان فقیر بنگلادش را امکانپذیر ساخته است

من در ۱۹۷۲ یعنی یک سال پس از استقلال بنگلادش، در دانشگاههای کشور اقتصاد تدریس می‌کردم. دو سال بعد یعنی در ۱۹۷۴، کشور گرفتار قحطی فاجعه‌باری شد. در دانشگاه به تدریس نظریه‌های زیبا و پیچیده توسعه اقتصادی مشغول بودم و هم‌میهانم آن بیرون از گرسنگی جان می‌دادند. به ناگاه، تمامی آن نظریه‌های قراردادی در مورد توسعه به نظرم کاملاً بوج و بی‌معنا رسید، و جهان دانشگاه کاملاً از واقعیت سخت زندگی و مبارزه مردم جدا آمد. کلاسهای درس را ترک کردم و به روستاهای کشورم رفتم.

در گفتگو با مردم که زندگی برایشان به معنای تلاش و مبارزه‌ای همیشگی برای بقاست، چیزهایی فرا گرفتم که در کتابهای درسی نبود. برای مثال، زنی را دیدم که با زحمت بسیار، چهارپایه‌هایی از جنس خیزران می‌ساخت، آنهم برای دو پنی در روز که به زحمت کفاف دو وعده غذای مناسب را

سی دلار به آنان دادم و در همان حال با خودم گفتم که اگر نهادهای مالی نیز همانند من عمل می‌کردند، هزاران نفر از فقر و فلاکت درمی‌آمدند. اما متأسفانه بانکها چنین روالی ندارند و معمولاً به افراد ندار، بویژه به زنان روستایی، وام نمی‌دهند.

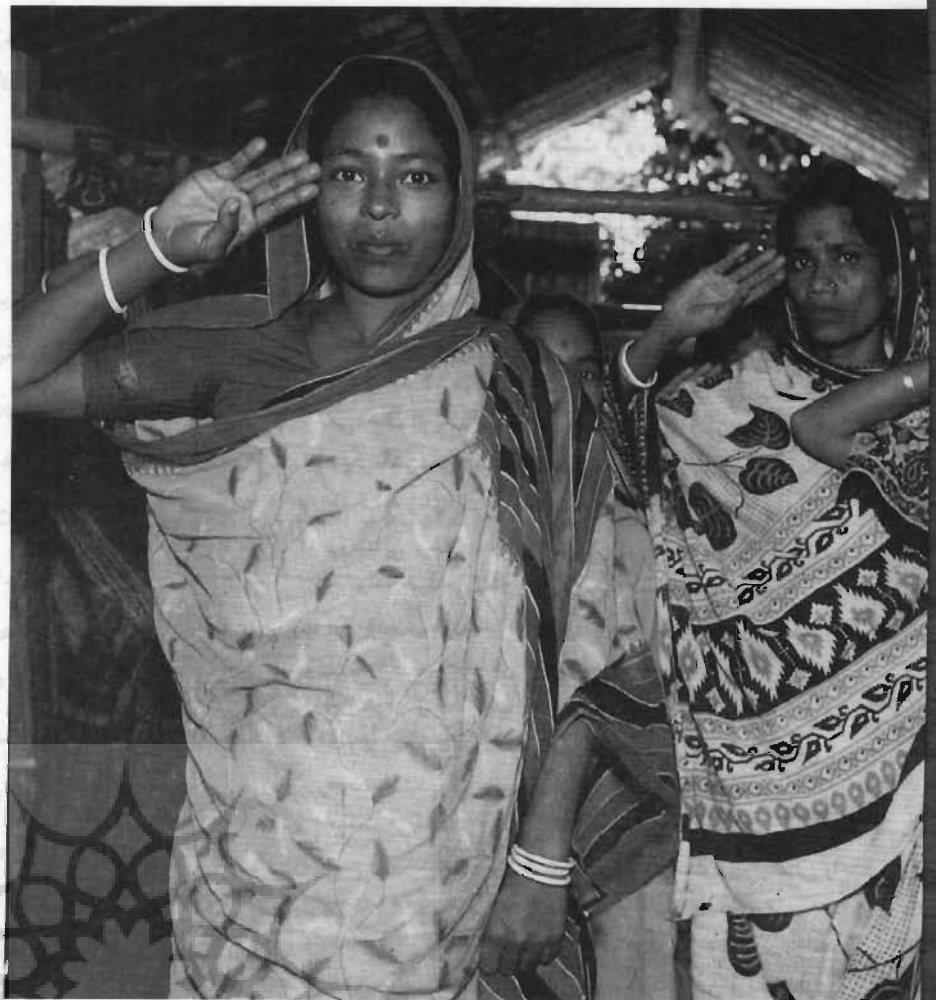
با بانکدارها صحبت کردم اما آنان به من خندیدند چون دادن وامهای اندک به افراد ندار ربطی به آنان ندارد. وانگهی، چه کسی حاضر می‌شود به کسانی که هیچ‌گونه ضامنی ندارند وام دهد؟ من از بانکی به بانک دیگر می‌رفتم اما پاسخ همه یکسان بود. سرانجام تصمیم گرفتم خودم ضامن آنها شوم. در نتیجه، بانکها پذیرفتند که وامهای چندصد دلاری بپردازند. همه افراد فقیر دریافت‌کننده وام پولها را بازپرداخت کردند. من به دیدن بانکداران رفتم و بازپرداخت وامها را گواه آوردم و گفتم که می‌شود به آنها اعتماد کرد و نیازی به وثیقه نیست. بانکدارها در پاسخ گفتند که ممکن است این کار در یک روستا عملی باشد اما نمی‌شود آن را به چند روستا تعمیم داد. برای آنکه خلاف این گفته را ثابت کنم همین تجربه را در چند روستای دیگر آغاز کردم. همه افراد ندار دریافت‌کننده وام پولها را بازپرداخت کردند. بار دیگر به بانکها رفتم، اما آنان گفتند که شاید این کار در چند روستا امکانپذیر باشد اما در کل یک منطقه عملی نیست. از همین رو، این طرح را در کل یک منطقه پیاده کردم و نتیجه مثبت بود. اما بانکدارها نمی‌خواستند قانع شوند.

به خودم گفتم که چرا دنبال بانکدارها راه افتاده‌ام و چرا این مشکل را با تأسیس یک بانک حل نمی‌کنم. بنابراین، از بانک مرکزی و دولت تقاضای مجوزی برای تأسیس بانکی ویژه افراد ندار کردم. این مرحله مدت زیادی به طول انجامید اما سرانجام دولت در ۱۹۸۳ مجوز لازم را به من داد. و بدین ترتیب، بانک گرامین در مقام بانکی مستقل و برای ندارها تأسیس شد.^{۸*}

بانکهایی که فقط به داراها وام می‌دهند

نظام سنتی بانکها به عمد طوری طراحی شده است که ندارها و زنان و بیسوادان را کنار می‌گذارد.

در واقع، هدف از مفهوم مقدس «وثیقه» بیرون راندن



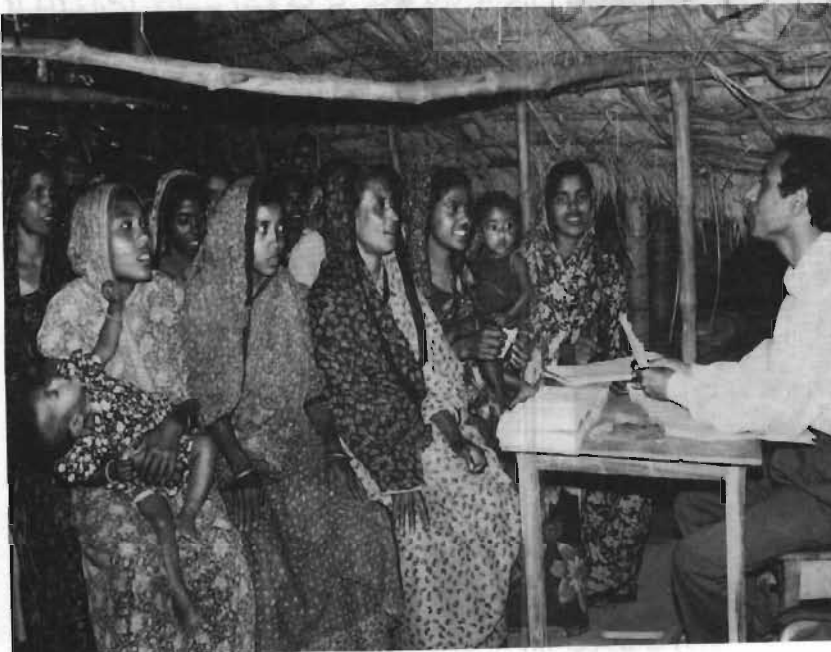
بانکی برای ندارها

محمد یونس

نشستهای هفتگی اعضای بانک گرامین در یک روستای بنگلادش.

می‌دهد. نمی‌توانستم درک کنم چطور کسی می‌تواند برای درآمدی چنین اندک، تا به این اندازه سخت و طولانی کار کند. متوجه شدم که این زن برای خرید مواد اولیه مجبور است از یک دلال پول قرض کند و این دلال هم بخش اعظمی از سود او را به خود اختصاص می‌دهد. حال اگر این زن می‌توانست پول را با بهره‌ای غیرربایی وام گیرد، آنگاه از کار روزانه‌اش پول بیشتری جمع می‌کرد، سرمایه‌ای به هم می‌زد، آن را دوباره به کار می‌زد و سود بیشتری به دست می‌آورد و بدین ترتیب، درآمد کافی برای یک زندگی متوسط می‌داشت و از فقر و فلاکت رهایی می‌یافت.

در همین روستا با چهل و دو زن دیگر برخورد کردم که آنان نیز در فقر و فلاکتی بدون رهایی به سر می‌بردند و مجبور بودند از وام‌دهنده‌ها و دلالها وام با بهره‌ریایی بگیرند. من از آنان پرسیدم که چقدر پول نیاز دارند تا از این وضع خلاص شوند، و آنان پاسخ دادند: سی دلار. بی‌درنگ از جیب خود



ندارها از بانکهاست. نظام بانکی کشور ما مایهٔ اکراه هر بانکدار درستکار است. میلیونها دلار وام به افراد بسیار دارا که هرگز دیون خود را بازپرداخت نمی‌کنند داده می‌شود. در پانزده سال گذشته، نرخ بازپرداخت وامها که بانکهای بنگلادش تحت لوای صنعتی کردن به ثروتمندان داده است هیچ‌گاه از ده درصد تجاوز نکرده است. من به بانکداران گفتم که «چرا اسم خودتان را گذاشته‌اید بانک، بهتر است نام خود را عوض کنید و به جای آن، نام سازمان خیریه برای ثروتمندان میلیونر بگذارید.»

بانکها از زنان خوششان نمی‌آید و تمایلی به دادن وام به آنان ندارند. در تمامی بانکهای داکا (پایتخت بنگلادش)، باجه‌هایی مخصوص زنان وجود دارد که البته فقط برای دریافت سپرده از آنان است. وام گرفتن روال دیگری دارد. نخست، از زنان می‌پرسند که آیا با شوهر خود درمورد گرفتن وام صحبت کرده‌اید یا نه، و آیا شوهر با گرفتن وام موافق بوده یا نه. اگر پاسخ مثبت باشد از آنها می‌خواهند که با شوهر خود در بانک حاضر شوند. اما هرگز از یک وام‌گیرنده مرد نمی‌پرسند که آیا با همسرش مشورت کرده و آیا زن با این کار شوهر موافق بوده، یا اصلاً حاضر است به همراه شوهر به بانک بیاید و درمورد وام صحبت کند یا نه. فکر می‌کنم شمار زنان وام‌گیرنده فقط یک درصد کل وام‌گیرندگان است، و به ناگزیر باید پذیرفت که چنین نظامی مشکل‌ساز است.

به علاوه، بانکها از همهٔ مشتریان و متقاضیان خود می‌خواهند که همهٔ مطالب را بنویسند، آنهم در کشوری که ۷۵ درصد از مردم سواد خواندن و نوشتن ندارند، و این وضعیت مضحکی را پدید آورده است. مشتریان حتی برای سپرده‌گذاری نیز باید همه چیز را با جزئیات بنویسند. من از بانکداران پرسیدم که چرا در مقابل دریافت پول، صرفاً رسیدی را به صورت «فلان مبلغ از فلان کس دریافت شد» به مشتری نمی‌دهند و آنان در پاسخ گفتند که بدون چنین روالی و بدون نوشتن تمام جزئیات، نگهداری از دفترهای ثبت امکانپذیر نیست. من به بانکداران پاسخ دادم که فقط رسیدی برای مبلغ دریافتی یا پرداختی صادر کنند و این تمامی کار ضروری است که بانکها باید انجام دهند. چرا باید فرد بیسواد را مجازات کرد؟

نظام گرامین

اکنون بانک گرامین در بیش از نیمی از روستاهای بنگلادش فعالیت می‌کند و بیش از دو میلیون عضو دارد که ۹۴ درصد آنان زن هستند. مبلغ کل وامهای داده شده بیش از ۱/۷ میلیون دلار است که علاوه بر راه‌اندازی فعالیتهای دیگر، ساخت بیش از سیصد هزار خانه را امکانپذیر ساخته است. قشرهای بسیار فقیر موفق شده‌اند با پس‌اندازهای اندک اندک خود، روی هم بیش از ۱۲۰ میلیون دلار امریکا پس‌انداز کنند و این تنها به یمن حمایت بانک گرامین از زنان، ندارها و بیسوادان امکانپذیر شده است.

بانک گرامین از همان ابتدا از نظام سنتی بانکها سرباز زد و قاطعانه مفهوم وثیقه را که تبعیضی نسبت به قشرهای نادر بود کنار گذاشت و به جای آن، نظام وام دادن جمعی با نظارت گروهی و الگوی خود قرار داد. این نظام از یک سو دادن وام به نیازمندترین قشرها را امکانپذیر می‌سازد و از سوی دیگر،

نرخ بازپرداخت وامها را افزایش می‌دهد. وام‌گیرندگان در گروههایی پنج نفری از یک جا گردم می‌آیند. این افراد یکدیگر را به خوبی می‌شناسند و می‌توانند به یکدیگر اعتماد داشته باشند. هر شش تا هشت گروه یک مرکز را تشکیل می‌دهد و هر روستا به طور میانگین یک یا دو مرکز دارد. به جای آنکه مردم به بانک بروند، گرامین به میان مردم می‌رود. تمامی معامله‌های مالی در نشستهای هفتگی هر مرکز انجام می‌گیرد. این کار هزینه‌های مالی را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود که بانک تابع نیازهای مردم باشد.

اینکه ۹۴ درصد از اعضای بانک گرامین را زنان تشکیل می‌دهند، از یک سو به این دلیل است که زنان در مقایسه با دیگر قشرهای فقیر، بیشتر ستم‌دیده‌اند و از سوی دیگر، کمک به زنان بهترین راه بهبود رفاه خانواده است، چون زنان روستایی برخلاف مردان، اساس درآمدهای خود را وقف خانواده خود می‌کنند و این زنان هستند که برای آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. به علاوه، وجود گروههای متشکل از زنان تأثیری اجتماعی داشته است، چه زنانی که تا پیش از این هرگز از خانه خارج نمی‌شدند، اکنون در نشستهای گروهی شرکت می‌کنند؛ زنانی که تا پیش از این هرگز پولی از خود نداشتند، اکنون حساب باز می‌کنند و در معامله‌های مالی شرکت می‌کنند؛ و زنانی که هرگز جرأت صحبت کردن در جمع را نداشتند، اکنون صحبت می‌کنند، مسئولیتهای مالی را بر عهده می‌گیرند و اعتماد به نفس بیشتری یافته‌اند.

از آنجا که بیشتر اعضای بانک هرگز به مدرسه نرفته‌اند، بانک به آنان امضای نامشان، حساب کردن و نگهداری حسابهایشان را می‌آموزد. رویه‌های بانکی ساده و روشن‌اند. تمامی اعضای گروه با یکدیگر بحث می‌کنند و هر یک از اعضا یاد می‌گیرد که چگونه بدون کاغذبازیهای پیچیده، پولهایش را اداره کند. بانک با ارائهٔ رسیدهایی ساده و روشن، کار ثبت و محاسبه را آسان می‌کند.

این زن با چهارمین وام خود از بانک گرامین توانست یک گاو شیرده خریداری کند.





خانم انگوری (بالا)، به پسن وام بانک گرامین، برای خرید چوب خیزران لازم برای سبدهایش، دیگر نیازی به دلالت ندارد.

ما اعتقاد داریم که قشرهای نادر باید از پیشرفته‌ترین تکنولوژیها بهره‌مند شوند. و تلاش می‌کنیم که بهره‌برداری از انرژی باد و انرژی خورشیدی امکانپذیر شود، و تمامی روستاهای بنگلادش از شبکه ارتباطات راه دور برخوردار شوند. این فعالیتها بدون همکاری شرکتهای بزرگ خصوصی انجام می‌گیرد. دستیابی به اعتبار، به زنان و مردان نادر روستایی امکان داده است که هم مالک و هم استفاده‌کننده چنین فرآورده‌ها و خدماتی باشند.

* محمد یونس در گفتگویی با پیام یونسکو (شماره ۳۰۲، زنان نیمه پنهان آسمان) درباره بانک گرامین توضیح مفصل داده است.

بانک گرامین جهش و دگرگونی تمام عیاری را در روستاهای بنگلادش پدید آورده است. مطالعه‌های بسیاری در مورد وضع اقتصادی اعضای بانک نشان می‌دهد که بانک گرامین سطح رفاه اعضا را بهبود بخشیده است، به عبارت دیگر، خانه‌های اعضا محکمتر شده، شرایط بهداشتی و سلامتشان بهبود یافته و میزان افراد مدرسه‌رو، بیشتر شده است. به علاوه، مطالعه‌ها نشان می‌دهد که قدرت زنان بیش از پیش افزایش یافته است و آنان با شکلهای سنتی تبعیض جنسی مبارزه می‌کنند و حضور فعالتری در امور سیاسی دارند. به طور قطع، هنوز راه درازی در مبارزه علیه فقر و نابرابری و تبعیض جنسی در بنگلادش در پیش است اما الگوی دادن اعتبارهای خرد (microcredit) که بانک گرامین آغازگر آن بوده، گویای عملی بودن راهبردی ساده است.

یونسکو و بانک گرامین

یونسکو و بانک گرامین در سپتامبر ۱۹۹۵ یادداشت تفاهم امضا کردند و بر مبنای آن هر یک از دو سازمان متعهد شدند که تلاشهای خود را در جهت مبارزه علیه فقر با توجه به حوزه‌های صلاحیتشان هماهنگ و متحد کنند.

نقش یونسکو در این همکاری عبارت است از:

- تهیه برنامه آموزش پایهای برای وام‌گیرندگان بانک گرامین و خانواده‌شان، آن هم در ارتباط مستقیم با فعالیتهاشان.
- ارائه کمک فنی ضروری به بانک گرامین برای ایجاد مؤسسه‌ای که زنان فقیر روستایی را از تلفن رادیویی بهره‌مند سازد.
- ارائه دانش فنی ضروری برای بهره‌برداری از انرژی خورشیدی و سایر انرژیهای قابل احیا؛
- سازماندهی برنامه‌ها و کارگاههای آموزشی برای اعضای دولتهایی که علاقه‌مند به اجرای الگوی بانک گرامین در کشور خود هستند. در مارس ۱۹۹۶ و به دنبال سفری مطالعاتی در مورد شیوه بانک گرامین در بنگلادش، کارگاهی برای کشورهای آسیای میانه در بیشیک (قرقیزستان) آغاز به کار کرد.
- انتشار یک سند اطلاع‌رسانی به زبانهای فرانسه، انگلیسی و اسپانیایی در مورد هدفها، ساختارها و موفقیتهای بانک گرامین.

ابتکارهایی جدید علیه فقر

اما بانک گرامین قصد ندارد به همین جا بسنده کند. ما فکر می‌کنیم که الگوی دادن اعتبارهای خرد می‌تواند ابزاری قاطع و ریشه‌ای در مبارزه علیه فقر باشد. از همین رو، خانواده گرامین تلاش می‌کند که با استفاده از روشهای بهره‌برداری جامع هماهنگ با حفظ محیط‌زیست، باروری کشاورزی را بیشتر کند، و نیز منطقه‌های صید ماهی را توسعه دهد. به علاوه، بانک گرامین با صادرات لباس با برجسب «گرامین»، تلاش می‌کند که تولیدکنندگان منسوجات را در بنگلادش به بازارهای فروش در ایالات متحد و اروپا پیوند دهد و بدین ترتیب، برای منسوجات روستاهای بنگلادش در این کشورها بازار فروش به وجود آورد.